



روزنامه مردم - سال اول شماره ۱۵ - پونته ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ - شماره ۱۸ ریل

ما خواستار چگونه دموکراسی هستیم؟

تنوع و کثرت جریانهای سیاسی را باید با هماهنگی و وحدت عمل ترکیب کرد.

آزادی نباید به خرج و مرج میدان دهد و نظم و انضباط نباید بهانه استبداد و انحصارطلبی فرارگیرد. مشت را چگونه باید حل کرد؟

حزب توده ایران، حزب با تجربه‌ای است، یعنی در فراز و نشیب یک زمانه دشوار مجبور شده است بیاندیشد و حقایق عام را بر واقعیات مشخص تطبیق

دهد. به عبارت دیگر موفق شده است در کنار تئوری عمومی جنبش انقلابی، تئوری مشخص جنبش انقلابی در ایران را تنظیم نماید. این خصیصه حزب باید به نیروهای متزلی دیگر (که به‌ویژه از جهت جهان‌بینی عمومی بسا نظریات حزب موافقت دارند) توجه دهد که با سخن این حزب، با همان نحو جدی که در خورد این سخن است، برخورد نمایند. جناح لیبرال جنبش انقلابی معاصر ایران، مسئله «آزادی‌ها» را در مرکز تبلیغات خود قرار داده و با آن به نطق ضدانقلاب، بلکه برخی مرکز تبلیغات خود قرار داده و با آن به نطق ضدانقلاب، بلکه برخی به در صحنه و

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلامن واقعی ترور را در نیروهای ضد انقلابی جستجو و افشا کنید!

حزب توده ایران تأسف عمیق خود را از ترور آیت‌الله مرتضی مطهری اعلام می‌دارد و ترور و ترورسم را بنا به اعتقاد اصولی خود، به شدت محکوم می‌کند!

بدنبال ترور سرلشکر قرنی، ترور آیت‌الله مرتضی مطهری، که یکی از هم‌زمان نزدیک امام خمینی بود، به نطق احساس انبوه و تأسف عمیق همه‌جمله‌ای ملی و دمکراتیک جامعه ما را برانگیخت. مردم ایران طی مراسم و راهپیمایی‌های بیرومنی، خشم و نفرت خود را از این شیوه غدارانه آدمکشان ضدانقلابی نشان دادند.

حزب توده ایران، بر حسب معتقدات اصولی خود، ترور و ترورسم را محکوم می‌کند و تأسف عمیق خویش را از این حادثه ابراز می‌دارد. این که نیروهای ضدانقلابی، ترورسم را جانشین مبارزه سیاسی کرده‌اند، نشانه ضعف و انفراد آنها است. آنها با این عمل می‌خواهند محیط عدم امنیت، سوظن و رعب ایجاد کنند و تصور می‌کنند که با ایجاد این محیط بهتر می‌توانند اقدامات تخریبی و ضدانقلابی خود را دنبال کنند. بهتر می‌توانند بین نیروهای انقلابی تفرقه بیندازند. این شیوه دانی آنها است و نظایر آن علیه کلیه انقلابی‌های معاصر دیده شده است.

در پس ترورهای اخیر، تشخیص چهره سبهاکار سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی و دستگاه ورشکسته ساواک دشوار نیست. تنها این نیروها هستند که سود خود را در چنین تبه‌کاری‌هایی جستجو می‌کنند و بدین شیوه‌های زیرمناشه دستمی‌زنند. و درست همین نیروهای سبها هستند که می‌گویند این شیوه پررمنشانه را به نیروهای چپ و به‌کونیست‌ها نسبت دهند و بدین ترتیب با یک تیر دو

چند روز پیش، شخصی به‌دختر روزنامه «مردم» مراجعه نمود، برای این که به روزنامه ارگان مرکزی حزب توده ایران مبلغی کمک مالی کند. او را به‌سندوق روزنامه هدایت کردند. وی خطاب به‌سندوق سندوق گفت: قبل از پرداخت مبلغی از طرف خود، می‌خواهم یازده تومان از طرف مامورین آفریقا، بی‌درازم، مادر حلقه انگلیسی خود را برای کمک به دستمخین فرخته و سوارش کرده است که پول آن به حزب توده تحویل شود. دستمخین گفته است: دشوهرم که وفات یافته، عضو حزب توده بود و من این پول را به‌حزب توده می‌دهم.

از مامورین ایران را وفادار حزب توده‌ایران، از سیم قلب سیاست‌گزاریم و در برابرش برسطیلم فروم می‌آوریم.

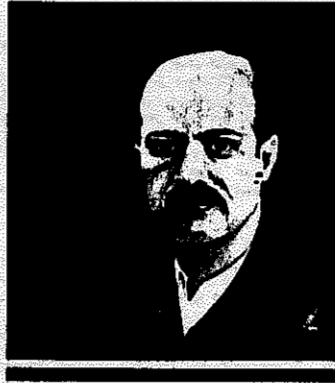
کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

موظفان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار معضی فعالیت علمی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به‌تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌عبارت تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب فرار دارد. انجام این وظایف از جمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فدائیکاری‌های اصنا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرورانگیز است. اکنون نیز ما وظیفان داریم که اعتقاد، هواداران، دوستان و حزب طبقه کارگر ایران ناری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به‌دختر حزب داد و یا با تلقی آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به‌حساب بانکی زیرین بفرستند: شماره حساب بانکی: ۴۳۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، شاه اسماعیل صفوی، خیابان شهید دکتر حسین قاضی، تلفن: ۴۳۳۳۸ و ۴۳۳۳۹

یاد شهید خسرو روزبه



قهرمان ملی ایران و عضو
کمیته مرکزی حزب توده
ایران را گرامی بداریم!

روز ۲۱ اردیبهشت، بیست و یکمین سالگرد شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است. خسرو روزبه، با شجاعتی کم‌نظیر در راه استقلال و آزادی ایران، در راه آرمان‌های حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، بیکار گرد و شهید شد و به همین جهت از جانب خلق قهرمان ایران، قهرمان ملی ایران نام گرفت. روز ۲۱ اردیبهشت اسما، در نخستین بهار آزادی، اصنا، جوانان و دوستداران حزب و همه مبارزان راه استقلال و آزادی ایران، بر مزار خسرو روزبه، این فرزند قهرمان خلق ایران، حضور خواهند یافت و یادش را گرامی خواهند داشت.

محل تجمع: پشت زهرا، پلوك ۶، ردیف ۱۲۵، شماره ۴۴ ساعت تجمع: ۱۱ صبح روز جمعه، ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

تفاق افکنی زیر هر نام که باشد محکوم است
تفاق افکنی یا خمیرمایه
خطر برای همه

چشم روز اول ماه مه، که می‌بایست پایه وحدت همه نیروهای انقلابی را استوار تر از پیش سازه در عین حال میبایری به‌دست داد که چگونه برخی از گروه‌ها و افراد به‌حسابیت لجاجت کتونی‌بوی‌توجه، مستند و تحت تأثیر عواملی قرار می‌گیرند که می‌توانند از احساسات آنها استفاده کنند و آنها را به بیراهه بکشاند و زمینه شکست انقلاب را فراهم کنند.

ریشه‌های نفوذ امپریالیسم امریکا، از بن باید کنده شود

تور جانی‌کاران‌دروان آیت‌الله مطهری، به‌دنبال قتل سرلشکر قرنی، نشان-دهنده این واقعیت خشنابنده است که شد انقلاب هارت و متشکله‌تر می‌شود و گویای این واقعیت است که «سبها» و بازمانده‌های ساواک - شمه سبها در ایران - دم به‌دم فالت می‌گردند.

بقیه در صفحه ۴

اخبار ایران

روزنامه اطلاعات

روز استالنه مطهری، به دنبال بروز سرنگش فردی و همچنین تهدید به سرور شخصیهای دیگر سیاسی، استکارا نشان داد که امرپالیسم و ارتجاع و ابزارهای اهریسی آنها، سیا و ساواک، برای لیل بهضدافعی ضد انقلابی خود از هیچ جانبی ابا ندارند. این تروها بار دیگر ثابت کرد که دشمن اصلی کیمت، بار دیگر همدار داد که میباید با قاطعیت ضد انقلاب را افشا و سرکوب کرد، بار دیگر تاکید کرد که تمام پیروزی در سرکوب ضدانقلاب، انشاالله همه نیروهای انقلابی و خلقی است. دشمن و فرنی که مردم ایران بهمناسبت شهادت آیتالله مطهری، نسبت بهعاطفان این جانب فطیج، امریکا، اسرائیل و عمال ایرانی آنها ابراز کرداد و سوگواری و تظاهرات کثیر و متحصی که برگزار شد، این امید را تقویت می کند که مردم ایران، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مذهبی و مسلکی خود، امر متحد شوند، می توانند لطمه های ضدانقلاب را عمیق بدارند.

دانشجویان مسلمان و تودهای در اجتماع بهخطر محکوم کردن ترور آیتالله مطهری

روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، در اجتماع بزرگی از جانب دانشجویان مسلمان، در جلو بیمارستان طرفه، ترور آیتالله مطهری طی قضایای محکوم شد. در این اجتماع از جمله کلمه می نمود که:

«در این قضایای حساس انقلاب و ضمن ابراز اذتجاج از توطئه متفرقه امریکا و اسرائیل، بهتبری سیا و سازمان جاسوسی اسرائیل، این عمل را بهشدت محکوم کرده و برقرار شد، این امید را تقویت می کند که مردم ایران، قوری و شدید در امر قضیه و مجازات عاملان آن میباشیم و در این زمینه عودا نیز تا آخرین حد ممکن کوشش خواهیم کرد.»

شهرهای که در این اجتماع از جانب دانشجویان داده می شد، از جمله عبارت بودند از:

تا برگ ضمن خلق هیئت ادامه دارد.
امامت خرابی عامل وحدت ماست
ایرنا، امریکای اسرائیل دشمن خلق ایران
توطئه، ترفقه بهر عنوان نابود است
کشتن آزادیخواه توطئه امریکاست
انقلاب پیروز است، تروریسم نابود است
در این اجتماع، دانشجویان هوادار حزب توده ایران نیز شرکت داشتند و بدینوسیله هبستگی خوبی را با برادران مسلمان خود تاکید کردند.

وحدت را فراموش نکنید

آقای دکتر کریم سنجابی وزیر خارجه مستعفی دولت موقت و دبیر جبهه ملی ایران، در ضامحه ای با خبرگزاری پارس، که در مطبوعات ایران نیز انعکاس یافته، درباره اعتراضات مشترک جبهه ملی ایران و حزب توده ایران در یک جبهه واحد، مطالبی را برزبان آورده، که ما آن را در اینجا به نقل می نمایان. بلکه ناشی از عدم آگاهی لازم اینان درباره تاریخ سراسر پیکار حزب توده ایران در راه آزادی و استقلال ملی ایران می باشد. این نوع اظهارنظرهای یسطرفه، که چاشنی از بی مسئولیتی نیز دارد، در این لظحات حساس تاریخی، که خلق ایران بیش از هر زمان نیاز بهوحسدت و یکپارچگی دارد، تا از دستاوردهای انقلاب دفاع کند و هر سنی را که بر سر راه ادامه معضات وجود دارد، درهم بپزند، واقعا ناسانگیز و تصبأور است. اگر لیل جدید بهخطر انداخته باشد، بی شک ایجاب بهخطر دارد که در طول نخست وزیری دکتر مسیحی، که ایشان یکی از وزرای کابینه سابق بوده نیز از موحدت، بهتعاون بهتعاون تنها ملاحظه دردم کوشند هر توطئه ای دفاع می گردیم. برای ما جانب است بدانی که ۲۶ سال نشینده گرفتن این شعار و برزبان آوردن بیانی خلاف آن، بعد از آن همه تجربه که هم ما و هم ایشان بهخوبی از آن اطلاع داریم، چه دلیلی دارد؟

برای ما واقعا جانب است بدانی منظور آقای سنجابی از این جمله که «داسر

حرب توده از گذشته خود عبرت گرفته باید نشان دهد که یک حزب ایرانی است و برای ایران و با فکر ایرانی کار می کند چیست؟ و این جمله را که: «حرب توده هوادار دنبالهرو یک سیاست خارجی بوده، چگونه تفسیر می کنند؟»

هزور فریاد دهها مایق وطن، که بهرهم وفاداری به حزب توده ایران، در بی دادگشایی رژیم شاه مطبوع بهمساحه کشیده ندادند، در میدانهای نبرد، با فریاد بزرگه با حزب توده ایران، و بهتصالح بر خلق فرمان ایران، جان دادند، در کوشش جلیوهای ایرانی خلق افکن است. آقای دکتر سنجابی از گذشته حزبی بهتبری یاد می کند، که «ایجابات لیل اعدام شده و زندان کشیده آن، درخوش دو لیل فریب و جدید ایران، چراغ راهی و نظریه و روشی است. آزادی طلبی، آزادی خواهی و انسان دوستی است. اگر منظور ایشان دوس مرتضی از زندانی سیاستمدار، روزبهه، میری، معضاری، و کویلی، حاکمتوجه، آزادیخواه، آزادی طلبی، آزادی خواهی و آزادی خواهی است که ما ضمن تشکر از این راهشالی، اعلام می کنیم که زندگی تمام شهیدی حزب توده ایران در راه آزادیهای انسانی و میهن پرستانه آنها، سمرق تمام کسانی است که اکنون پرچم افتخار و خونین حزب توده ایران را در دست دارند و با تمامجای استوار پیش می روند. و اگر مقصود اظهارنظر و تکرار افکنی است، آنوقت برای ایرانی وطن پرست، مبارز انقلابی و با احساس مسئولیت بی اختیار این سوال مطرح می شود که آیا هنوز زمان آن رسیده، که تاریخ معاصر را یکبار دیگر و عمیقتر، مرور کنیم و از آن درس والی بگیریم؟»

استقبال مردم از قطع رابطه ایران و رژیم خانی سادات

قطع رابطه ایران با رژیم خانی سادات، که بهتصور امام عسینی صورت گرفت، با غور و شغلی کثیر در سراسر ایران استقبال شد. گزارشهای خبرنگاران ما از شهرتسایا حکایت از برزبان جان و سرور از سوی مردم بهمناسبت این قطع رابطه دارد. خلق ایران در تمام سالهای گذشته، که سرزمین تیراب بوده تجاوز میسویس قرار گرفته بود، از آن زمان که ایران درکنار خلق فلسطین و سایر برادران عرب خود قرار داشته باشد، اما از رژیم سرسیده بهامیرانی شاه مطبوع، هوادار درکنار میسویس قرار گرفته و تاویران، با این آرزمان آسانی خلق ایران جفاقت می کرد. بهتصحن دلیل سیاست پشتیبانی قطع و عمل از خلق فلسطین، که قطع رابطه با رژیم خانی سادات بازتابی از آن است، با استقبال عمومی روبرو شد.

اسناد توطئه های رژیم شاه مطبوع را برای آگاهی مردم منتشر کنید

رژیم سرسیده شاه مطبوع، درسالهای گذشته، در کنار مرتجع ترین و ضدانسانی ترین حکومتها، در سرکوب لیبانهای بحق خلقهای دیگر نیز لظف داشته و از شرکت در هیچ توطئه ای برای ایجاد هواجس بر سر راه انقلاب این خلقها دریغ نکرده است. بدون شک اسناد بسیاری در این زمینه، با سرفه رژیم شاه - ساواک، اکنون در دست دولت و خبرگان انقلاب است؛ که مردم بی سیرانه در انتظار برزبان عمل آنها هستند. مردم می توانند بداند، که در تمام سالهای که از کم و کیمت رویای خرابی رژیم ایران لظف چند خط خبری، مربوط بهسفر لیل تمام بهایران و با سفر رسمی و علمی فلان مقام ایران به لیل کشور، در روزنامهها و رادیو و تلوویزیون منتشر می شد، رژیم سابق ایران چه نوع رابطه ای با دیگر کشورها داشته است؟ ساواک چگونه لظف تفسیری در کشورهای در حال انقلاب بازی می کرد است؟ و میلیونها دلار پول نفت ایران از چه راهی و در چه کشورهای برای سرکوب انقلابها مصرف می شده است؟

از این نوع رابطه های رژیم سابق شاه مطبوع با کشورهای متجاوز، در چند روز گذشته، در رابطه با اصطلاح دولت جدید زیمباروه (روندیا)، خبری منتشر شد که باعث حیرت میلیونها ایرانی گردید. این خبر در جهت برزبان آخرین لظف امرپالیسم در روندیا، توسط رژیم شاه مطبوع از آن کشور، که منجر به لغت ولزری اسقف روزروا شده است، انعکاسی وسیع و گسترده داشته است.

دولت ایران، بعد از انجام انتصابات لظفی در روزهای اعلام دولت که هرگونه ششالی دولت جدید غیر قانونی زیمباروه را در محکوم و از جبهه میهن پرستان دفاع می کند، امری که مورد تایید ماست. در همین خبر، برای نخستین بار لظف شد که ساواک لظف کلیه افراد امنیتی اسقف روزروا، رهبر حزب شورایی ملی اتحاد افریقای زیمباروه، که با سافزای با یواستیمت به لغت روزی رسیده است، بهعهده داشته و پول آن نیز توسط همین سازمان جینی تامین می شده است. در همین خبر لظف شد که خارج خصوصی و بهمناسبت فرزندان نخستوزیر جدید روزروا، در کشورهای خارج، از طرف رژیم سرسیده شاه - ساواک لظف می شده است؟

نفاق افکنی...

دگرگ برشا و امیرالیزم حامی او، که کشته درمی آورد، در شرایطی که محسدرهای سیاه کار، این ایند و مایوه زمان، با چشم و کین فراد می کنند که «اگر انقلاب پیروز شد، بهتصحت ستکاری ساواک بود و اینبار چنان دستگاه ساواک با انضباطی بهوجود می آید که با هادی مجال سنیر بهقیمت، بهسود چکی تمام می شود؛ آیا لسانی که این شمارها را بهمنشان می کنند، لطمه ای بهاین واقعبت انبشیدانه که محسدرهای جلازم با همین حربه خون میسخت؟ آیا گمان می رود که اگر حریف بار دیگر فرصت بهتصحت آورد، حش و خیزان آنها، برزبانند اینها، برکتی و عزیزان آنها، هم ابقا خواهد کرد؛ آیا برای لطمه ای انبشیدانه که نفاق بین نیروهای انقلابی، بهرین روزهای است که دشمن و ضد انقلاب، از آنها سیرمدون می کنند و کسانی که چنین روزهای برای دشمن بکنایند، بهتصاحت با نضامند آگاهی باشند یا بیانشان، عملا با نقلاب و آرمانهای انقلابی بهتصحت انداخته است که پیوسته بوده و تمام امید حریف و دیگر برزبان راستین انقلاب بوده و آنها در من فرست بهاین معنا اشاره کرده اند.

اتحاد نیروهای انقلابی چنان پیروزی قطعی انقلاب است

خونهای که مانند سیل از اجسامهله شده، مردم میهن ما جاری گردیده، مانند سیل هم تاج و تخت چارترین طاغوتهای زمان را، که درخیم مردم خود و سوگر سخته بهکوش قدرتهای امپریالیستی بود، از جای برزند و سرنگون ساخت. اسوا ریشه های زهر آگین و زهر پروران هنوز بر جای باقی هستند. دشمن با امکانات مادی فوق العاده وسیع خود که از تمام سیرمدون این کشور است از ملخی و فریجی، کویست و غیر کویست، زنده شده، فرست برای آغاز حمله میجوید، حسی می توان گفت که از همه کثون است به حمله ای آزمایشی زده است. این سازمان سر بلند کرده و جوهره که سر بلند کرده است، خودی که طی همین مدت کوتاه بر زمین ما کشته می گردند و از آن جمله بیامه کردن نقشه تروریستی، بهشایه پیکانهای حمله ای بدنی، گوا بر علت مطلب و مسئولیتی است که تمام نیروهای انقلاب برعهده دارند. ترور سرنگر قرنی و ترور آیتالله بهکوش سمدای ناقوس خطر را فرجه ریای بهتوگی ما میزداند و آگاهی و هشاری و وحدت عمل بیشتری را از ما طلب می کند. برای جلوگیری از این خطر عمده و اصلی و سرکوب قطعی ضد انقلاب، ما نیازمند همان وحدتی هستیم که در پرو آن، محسدرهای جبار را از تحت سلطنت بهزیر کشیدیم و بدان سر دنیا برتاب گردیم. خطر عمده و اصلی را فراموش کردن و دستخوش احسانات تصبأیز شدن و تتم شفاق پراگندن با بهره نترین کار است. تکرار کنیم که هرگز و هر فردی که در کار شرایط خطیر، با شیوهی نفاق افکنانه، سب برهم خوردن وحدت عمل نیروهای انقلابی بنود که دستاوردهای انقلاب را آسپه بند می سازد، بهتصاحت با نضامند از تابع عمل خود آگاه باشد یا نباشد، درجه ای پسر ایستادی است. آیا بدستای خوبی که آیتالله مطهری را در خون غتغاییده به خاطر اسلام و شمان اسلامی مرتکب این تکراری شد، دشمن اصلی و اصولی اسلام، قساقلان آیتالله و برانگیزندگان و فرماندهان آنها، زمامداران و دستگاه سیا گرفته با باقی ماندگان سازمان جینی ساواک همتند؟

بهتصحن دوران بیست و شش ساله گذشته بنگرد تا بدانی که امپریالیسم و ارتجاع برای همه دشمنان خود، صرف نظر از اعتقاد سیاسی و مسلکی، چه آینه سیاهی تدارک میبندد. آنگاه بهتصحت و جوسی ارواح خبیث و سرکین سیاه کاری باید گفت که ما هم بریها راه بیراهه می کشاند. دشمن حقیقی اصول انسانی و مترقی اسلام، که ما هم آنرا مستحق سیرمدون و سیرمدون میسیم کیست؟ مگر همان دستگاه خودخواهر محمد رضاشاهی بسود کسه حسدای از زندانترین تودهای را در کنار هدای از بهترین و باسوق ترین مسلمانان بزرگ کشته کشاید و سادات جوسعه ای اقدام سرورده مگر این دستگاه نبود که هوادار امام عسینی تودای، میجاسد، فدائیس، مدعی و هر میهن پرست و آزادیخواه دیگری را در یک کف گلوله باران کرد؟ مگر این خونهای پاک ریخته شده، نباید

آگاهی انتشار: از این پس «مردم» سه شماره در هفته؛ شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. **بقیه در صفحه ۷**

سیستم بهداشت و درمان

مخروبه ای که بازسازی آن احتیاج به برنامه ریزی دقیق و علمی دارد

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، در برنامه موقتی که برای رفع خرابیهای سیستم بهداشت و درمان کشور بهوزارت بهداری ارائه کرد، یادآور شد که ما در مسئله بهداشت و درمان، وارث یک خرابه عظیم هستیم. در واقع هم رژیم شمنی و نفاذ شاه مطبوع، مساطوری که در مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فلسفی، مملکت را بهورسکتگی و وابستگی کامل بهامپریالیسم کشاید، در مورد بهداشت و درمان هم جز یک سیستم ویران و کاملاً وابسته بهامپریالیسم، چیزی برای ما بجا نگذاشت.

آقای دکتر سامه، وزیر بهداری و بهزیستی، که بیانیی که در روزنامه کیهان (دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۵۸) بهتصاحت رسیده است، راه حل معضلات کنونی بهداشت و درمان را ملی کردن این امور دانستند. ملی کردن هم یعنی ارائه خدمات بهداشتی و درمانی بهطور رایگان برای همه. حزب توده ایران، بهتعاون حزبی قاطعانه از متقاضی کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان دفاع می کند، شمن اظهار خوشنودی از این که، قصبه وزارت بهداری درباره بهداشت عمومی و طب رایگان، بهطور کلی با لظف حزب، مخالفت دارد و با تایید نظرات وزیر بهداری و بهزیستی، خود را موظف می داند که نکات زیرین را یادآور شود.

قبل از هرچیز باید یادآور کنیم که مسئله بهداشت و درمان ایستیم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدا نیست. چنانچه حکام طرح مسائل بهداشت و درمان و برنامه ریزی درباره آنها، باید رابطه نزدیک و حیاتی توجه نشود. مشکلات بزرگی بروز خواهد کرد، بهتصاحت بزرگی، درگرون کردن وضع بهداشت و درمان باید با دگرگونیهای انقلابی در سیستم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همراه و هماهنگ باشد.

برای اجرای یک برنامه بهداشت و درمان مترقی باید چکلات رفتافت، ما در زیر بهتصحت مشعل عمده اشاره می کنیم:

عمده ترین مشکلات کدامند؟

بهداشت و درمان کشورما، در اثر غیبات رژیم متفرق پهلو، کاملاً به کشورهای امپریالیستی وابسته است. این وابستگی بهطور مشخص عبارتند از: ۱. تربیت کادربزرگی و حش کادربزرگی پرستاری و بسیاری از رشته های دیگر وابسته به پزشکی، بهطور عمده در کشورهای امپریالیستی انجام می شود. آموزش پزشکی درجه دوم کشور ما از روی سیستمهای آموزشی کشورهای امپریالیستی کیه شده است. این وابستگی به کشورهای امپریالیستی، خود باعث می شود که از طرفی تربیت کادربزرگ مناسب با احتیاجات کشور نباشد و از سوی دیگر بهتصاحتی چون دفرار مزهها دامنگیر مملکت شود.

ب. از نظر تامین دارو، چه داروهای وارداتی و چه داروهای که در داخل کشور تولید - دقیقتر بگویم مونتاز - می شوند، کاملاً تابع و وابسته به کشورهای امپریالیستی هستیم.

پ. نظام بیمه های درمانی و راه خدمات پزشکی از روی بدترین،

تا توجه به مشکلات سمدای که از آنها یاد کردیم، بهخوبی روشن می شود که حل برتنیها و مسلات امور بهداشت و درمان کشور، تنها با دانستن شمار «بهداشت و طب ملی» ممکن نیست. باید برنامه ای تهیه کرد که **بقیه در صفحه ۶**

از تاریخ باسلاموری

آنچه غیر قانونی شدن حزب توده ایران نامیده اند یک توطئه جنایت کارانه امپریالیستی و ارتجاعی است

حزب در این مورد با پایان رسیده بود. شاه مطرغ عیسان بملاقات های مرمغانه ادامه می داد. به نوشته روزنامه:

چند روز قبل در میان شاه و امین‌الله میرزا جباری و آقای شهزاده و سپس لیتون ملاقات مرمغانه ای دست داد. گویا نقشه زمامداری شهزاده در میان است.

مس لیستون، جاسوس سرشاس انگلیس و وابسته فرهنگ وزارت انگلیس در تهران بود که سیاست ویژه استعمار انگلیس را در ایران رهبری می کرد. احتیاطا در این ملاقات مرمغانه، فقط زمامداری شهزاده مطرح نبوده، بلکه تقویت مواضع دربار، تغییر قانون اساسی، مسئله نفت و تشدید ترور در داخل کشور نیز مطرح بوده است.

در این روزها محیط سیاسی کشور به شدت علیه استعمار و باور به علیه شرکت نفت انگلیس پرانگیزه شده بود. حزب توده ایران متشکل ترین نیروی دموکراتیک و ضد استعماری بود که به رغم توطئه گری های دربار و امپریالیست ها، پرورشگری و سازماندهی انقلابی می برد و فعال امپریالیست و ارتجاع را افشا می کرد. روزنامه مردم، در آن روزها، به طور عمده به بر ضد امپریالیست و ضد استعماری اخبار می داد.

در آغاز بهمن ماه، عیسان اسکندری دولت ساعد را در مورد مذاکرات پشت پرده نفت استیضاح کرد. مذاکره مجلس به دوست در میان مردم متشنج شد. حزب توده ایران، به رهبری از حزب ایران نخستین تظاهرات وسیع ضد شرکت نفت را سازمان داد. راهپیمایی بزرگی از جلو دانشگاه تهران آغاز شد و به میدان بهارستان خانه یافت ضارفا بیان راهپیمایی بزرگ قاطع و روشن علیه امپریالیست انگلیس و آمریکا بود. حزب توده ایران تنها امپریالیست انگلیس را، که می خواست جای خود را محکم کند، افشا می کرد. بلکه خط امپریالیست تازیش آمریکا را هم متذکر می شد. این راهپیمایی که از هر نظر از زندگی سیاسی کشور بهر ساقه بود، خبر از گسترش عظیم نفوذ و قدرت حزب توده ایران و تاثیر ضارفا شد امپریالیست ها می داد.

زیر تار افکار عمومی روز به روز بهمن ماه، شهزاده، عاقد قرارداد ۱۳۳۳، در پشت تریبون مجلس اعتراف کرد که این قرارداد در شرایط غیر عادی و ترور و آوارگی تحصیل شده از آنروز در شرایط خود را مأمور مصلوب الاجتبار می نماید یک دستور رضایه، مجبور به امضای قرارداد شده است. او گفت که حوادتی در پشت پرده گذشته و خود رضایه هم، که گویا رضای بهمنید می خود قرارداد شرکت سابق نفت نبوده، در آخرین لحظه به دلایلی غیر عادی در تغییر شده است.

قسمت ما برسی همه این اعتراف و کل مسئله نفت نیست، بلکه با آذوری محیط سیاسی است که آنروز در کشور ما حاکم بود نشان دادن این واقعیت است که لرد ضد امپریالیستی و ضد دربار پهلوی بر عت اوج می گرفت و حزب توده ایران یکی از سازماندهان اصلی این تیرد بود.

۱۱ بهمن ۱۳۳۷، امتیاز بانک شاهنشاهی (بانک استعماری انگلیس در ایران) پایان یافت. ولی دربار و دولت به فکر تمدید امتیاز بودند و حزب توده ایران طرفدار استعمار انگلیس را از همه سرعطا طلب می کرد. همه سرعطا علیه مردم در آن روزها، ضد امپریالیست و ضد دیکتاتوری دربار پهلوی بود.

۱۲ بهمن ماه، مصدقین مظان، نماینده درباری مصلوب الممال مجلس شورای از دولت برتریس مجلس داد و با تهدید به استیضاح، پرسید که: «طبق قوانین و مقرراتی که بقوت خود باقی است (۱) شاه مرام کمونیسم ممنوع شده و مرتکبین جرم و قابل تعقیب کیفری هستند. بهمنیست از تبلیغ این مرام جلوگیری نمی شود و اجرائی نفرعما می مخصوص... می دهند و مورد تعقیب قرار نمی گیرند»

۱۳ بهمن ۱۳۳۷، قتل از کیهان ۱۵ بهمن ۱۵ بهمن ۱۳۳۷، حزب دوازدهم، حزب توده ایران برای تحلیل از شهید، میبکنی که این باور بر سر مردم دارانی، ترکیب داده همه مبارزان توده ای و هواداران حزب و مبارزان از عناصر دموکراتیک در آنجا جمع بودند. هنگام بازگشت بهمن، خبر رسید که به شاه مطرغ تیراندازی شده و پلیس و ارتش، بهمنه آن به کلورب مرکزی حزب ۱۶ بهمن ۱۳۳۷، روزنامه امپریالیست تهران حق سوختن به شاه مطرغ را منتشر کرده؛ تیراندازی درشت نوشتند که:

«حکومت مرتکب کتلا مصلوب و انتضای محزوب توده مجمل است» (کیهان، ۱۶ بهمن ۱۳۳۷).

۱۷ بهمن ۱۳۳۷، به نقل از مقامات توتلی افزود که در جیب از «ناممائی از طرف توده و رجمه مردم،» «مقداری فرمول شیمیائی» در زیر جرابش «یک دانه زهر آفرین» یافته اند. «شان شب ۱۵ بهمن، بلافاصله پس از سوء قصد به شاه مطرغ، دولت اعلامیه ای حکومت نظامی برقرار نمود و فعالیت احزاب و اجتماعات را مطلقا ممنوع اعلام و انتشار مطبوعات را منع کرد.

۱۸ بهمن ماه، جلسه مجلس شورا تشکیل شد. دکتر منوچهر اقبال، وزیر کشور، دفترچه ای را، که آنرا دفتر یادداشت و خاطرات شارب (باصر فیض آرائی) می نامید، از پشت تریبون مجلس خواند و ادعا کرد که فقر آرائی منتسب به حزب توده ایران است. احمد حدقانی مجلسی حزب توده ایران را خائن نامید. (سرمد افشار حکمت رئیس مجلسی گفت: «این حرفها مربوط به مجلس نیست. مطالبی است که سوء قصد کننده در دفتر خاطرات اقبال متن نوشته است.»)

سرانجام دکتر اقبال متن اعلامیه دولت را درباره حکومت نظامی و تسمیم فوآلهه شب ۱۵ بهمن هیئت وزیران راجع به انحلال حزب توده ایران را قرائت کرد. او از جمله گفت:

«از چند سال پیش در داخل کشور عناصر ضد مردمی بنام حزب توده ایران دور هم جمع شده و یکدیگر مرمغانه مصلوب را با کلمات فریبنده اشغال و هر روز ایجاد افشاح، حرج و مرج نموده و در ضد و مذکور و از کونکر بیان و اساس کشور بودند. اینک صرف نظر از ترویج مرام اشتراکی... زمینه انقلاب دموکراتیک را فراهم می سازند. بنابراین... حزب زبور را متانی استکبار، کشور تصفی و مسکور می دهد. سازمان حزب زبور در تمام کشور منحل و افراد خائنی که مدارک لازم علیه آنجا موجود است طبق مقررات قوانین مربوطه تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات شوند.»

۱۹ بهمن ماه، دولت لایحه قانونی تصحیح مطبوعات و مجازات مرتکبین جرائم مطبوعاتی را به مجلس تصدیق کرد که به موجب آن، هر روزنامه ای نشری ای نسبت به مطبوعات مملکت و خانواده سلطنتی و شاعر متضام می باشد، توهین کننده از طرف نشریاتی توقیف و مدیر مسئول و نویسنده بازداشت می شود. حکومت نظامی (سر لشکر-جوانی فرماندار

کرد است. طبیعی است که امپریالیست های امریکائی در این مورد نظر دیگری داشتند و می کشیدند دیکتاتوری دربار پهلوی را به سود خود محکم بنایند. اما اختلاف بر سر این مسائل، مانع از وحدت نظر کامل امپریالیست ها بر سر مبارزه با مردم ایران، و قبل از همه حزب توده ایران، نبود.

همزمان با توطئه گری در تهران، در محافل امپریالیستی و اشتکن نیز تبلیغات علیه حزب توده ایران مقیاس وسیعی گرفته بود. روزنامه های امریکائی مقاله های ضدیت علیه حزب ما منتشر می کردند. کسه روزنامه های درباری تهران آنها را ترجمه و تجدید چاپ می نمودند. در این زمان در خود امریکا ب آتش کمونیسم بسیار بالا بود. انصارات امپریالیستی هجوم وسیعی را علیه بقایای دموکراسی در آن کشور آغاز کرده و مبارزه با کمونیسم را بهانه قرار داده بودند. رهبران حزب کمونیست امریکا چندین ماه بود که تحت حاکمه قرار داشتند و امپریالیست امریکا در مقامی جهانی تیرد کمونیسم را روی سر برای تجاوز و غارت قرار داده بودند. امپریالیست های امریکائی در امور همه کشورها دخالت می کردند. و آنرا به بهانه مبارزه با کمونیسم، قانونی تصدیه می کردند. حزب توده ایران، که به رغم همه توطئه گری های امپریالیستی رشنمی کرد، خاری در چشم آنان بود. در یکی از مقالاتی که بنا به تصویب روزنامه های تهران، مطبوعات امریکا به مطبوعات داده بود، گفته می شد:

«در خواروبیا، فقط در ایران و فلسطین کمونیست ها آزادند و فعالیت می کنند... نماینده کمونیست ها در ایران، حزب توده ایران است... شوروی برای ایجاد انقلاب، در ایران تلاش می کند.»

نقل از روزنامه اتی ۲۰ بهمن ۱۳۳۷ امپریالیست های امریکائی، با این ستاویز، که گویا شوروی می خواهد در ایران انقلاب کند، هر نوع جنایت ضد حزب توده ایران و جنبش های ملی و آزادیخواهانه در میهن ما را قانونی می شمردند و مستشاران امریکائی و ژاندارمری و مشاورین پنهانی امریکا در دربار، از هیچ نوع جنایت علیه حزب توده ایران روگردان نبودند.

کابینه وزیر سقوط کرد، اما نقشه غیر قانونی کردن حزب توده ایران از دستور خارج نشد. نمایندگان وابسته به دربار و امپریالیست آن را به شدت دنبال کردند. محصلین مطبوعات، یکی از نامتربین چهره های سیاسی دهه ۳۵، که از طرف دربار وکیل مجلس بود، با کابینه ساعد از این نظر مخالفت کرد که چرا غیر قانونی کردن و بستن حزب توده ایران را در برامه خود قرار نداده است. او می سفرائی خود در مجلس (۱۷ آذرماه ۱۳۳۷)، از پس ضد شمایه ای بسیار زشت به حزب توده ایران، پیشنهاد کرد که این حزب در دست خود است. و فعالیت آن «موقوفه» گردد. او این مسئله را با مجموع سیاست کشور مربوط کرد و گفت که بی طرفی منعی ندارد و ایران باید در علقه با بلوک غرب بیرونده.

به این ترتیب نقشه درباری - امریکائی - انگلیسی غیر قانونی کردن و بستن حزب توده ایران، به طور رسمی افشا شد و به مجلس شور اآمد. همزمان با آن، فشار به اعضای حزب توده ایران از حد گذشت. درگاه شاه، مدارس دانشگاه ها و وزارتخانه ها اعضای حزب را از کار اخراج و تبعید می کردند. در همه شهرها هجوم به اعضاء و هواداران حزب، به شدت فعالیت آنها ازمام علیه ملی بود - به این غای بدل شده بود و هر چند زور سرورگه یک مشور حزب را می توانستند. استاد و مدرسی که در اختیار حزب بودند نشان می داد که همه این توطئه ها از یک مرکز: «دیوار» - ارتش، و پشتیبانان امریکائی می آید. آنها، رهبری می نمود. ۲۱ آذرماه ۱۳۳۷، دبیر کل کمیته مرکزی حزب، بسیاری از این اسناد را در یک محافه مطبوعاتی رو کرد و نشان داد که از وزارت جنگ و ستاد ارتش، طی نامه های مرمغانه ای به وزارتخانه ها و کارخانه ها و غیره، دستور اخراج و تبعید و توداجا صادر می شود.

در آغاز زمستان، مصدق اسرار سحر برنجی و تصادفا شنیدند شد. احساس می شد که لحظه قطعی فراموشی، در نیمه آذر ۱۳۳۷، جرج آن معاون وزارت خارجه امریکا به ایران آمد و مطبوعات که روزنامه او نوشتند، «بهراف آداب و رسوم بی انانیتی» مستقیما و مرمغانه به شاه مطرغ ملاقات کرد. این ملاقات دو نفری بود در آن حتی هواداران حزب داده شدند.

با به نوشته روزنامه - از جمله روزنامه اتی - مسائل مورد بحث عبارت بود از استقلال ایران و «دموکراسی» به عبارت دیگر، سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران مطرح شده بود. اگر سیاست عمومی امپریالیست امریکائی، بویژه هیئت مشیت شیدت ضد کمونیستی و ضد شوروی از آن سالها در نظر بگیریم، می توانیم تصمیماتی را که در این جلسه مرمغانه گرفته شده است، پس بی زینم.

توطئه ضد امپریالیستی اجرا می شود. در آغاز بهمن، تقریبا آشکار بود که تصمیم دایر به غیر قانونی کردن حزب توده ایران و هجوم عمومی به مومراسی در ایران، قطعی شد و به اصطلاح شارش مکتوبی آغاز شده است. عمل ارتجاع و امپریالیسم به این فکر بودند که جانه های بازند و آن را به حساب حزب توده ایران بگذارند. ۲۸ آذرماه، در جلو دانشگاه گولهدانی متضجر شد که بر اثر آن عداوتی کشته شد. این حادثه عیب، غیر قابل توضیح بود. ستاد ارتش اعلامیه ای صادر کرد و ماجرا را از طور توضیح داد که گولهدا از لایحه ضد خوائی شلیک شده و قرار بود در آسان منفر شود. ولی ده روز قبل از آن در ارتجاع لازم منفر شده و به سطح زور، تریبک شده است! (مردم، ۶ بهمن ۱۳۳۷) اما این «توضیح» ستاد ارتش کسی را قانع نکرد. گفته می شد که حوادتی در پس پرده می کنند.

روزنامه وظیفه مورخ ۵ بهمن ۱۳۳۷، نوشت:

«تصمیم این بود که افشاحی و تیراندازی و اغلال امنیت را محزوب متضام سافت و افکار را علیه آن برانگیزند... عداوتی از نمایندگان مطبوعات را ترور کنند و لایحه غیر قانونی بودن حزب توده ایران را بپذیرند و فوریت به مجلس تصدیق نمایند.»

روزنامه کیهان (۱۵ بهمن ۱۳۳۷)، به استناد رادیوی مسکو نوشت:

«دکولباران کالی که در تهران، در ۲۸ آذر ۱۳۳۷، به قوسوع پیوست، یک خیانت بزرگ بود... این جرائم برای غفلت کردن مردم از بین بردن آزادیخواهان و تشکیل حکومت نظامی است.»

این نقشه آنروز اجرا شد، زور حادثه افشاح در دانشگاه خلی نشانی بود. دشوار بود مردم باور کنند که حزب توده ایران توطئه ضد هوایی و اسطه و مهات سنگین در اختیار دارد. احتیاطا حوادتی دیگری هم پشت پرده می گذشت. از جمله این که هنوز دموای امریکا و انگلیس

تصمیم واشنگتن و لندن: تابان ۱۳۳۷، شاه مطرغ ده بهور غیر رسمی، به انگلستان سفر کرد و در این سفر به اصطلاح غیر رسمی، مهم ترین مسائل داخلی و خارجی کشور ما را با مقامات انگلیسی مورد بررسی قرار داد. اندیشه مرکزی مذاکرات مرمغانه و غیر رسمی، لندن عبارت از این بود که انگلستان به شاه مطرغ کمک کند که قانون اساسی را تغییر دهد و قدرت سلطنتی را برقرار بیاورد و در مقابل، با استفاده از این قدرت سلطنتی، مسئله نفت را بیود انگلستان حل کند. توضیح این که، درست در همین زمان افکار عمومی به شدت علیه شرکت نفت انگلیس برانگیزه بود و دولت، طبق مسووات مجلسی، وظیفه داشت که حقوق ایران را در نفت جنوب از شرکت انگلیسی بچگرد.

هفته نامه انگلیسی کیهان، درباره مذاکرات شاه مطرغ با مقامات انگلیسی نوشت:

«قرآن زبانی در دست است که ایران داخل یکی از آن دوره های بهرانی گردیده است که جلوه گری از وقوع تغییرات شدید غیر مکره است. تصمیمات کنونی احتمال تقویت شاه را زیاد کرده است. احتمال دارد که شاه در سفر غیر رسمی به انگلستان پشتیبانی این دولت را برای تحکیم تسلط خود در کشور خواستار شده باشد.»

پس از مذاکرات مطرغ از انگلستان، هم مذاکرات پشت پرده نفت آغاز شد و هم تبارک پشترنده نوعی کودتای درباری، حزب توده ایران، که علیه رجمه فنار، از نو تقویت شده بود، در هر دو مورد، هم نفت و هم دیکتاتوری، موضع روشن و قاطعی داشت و در آن زمان بزرگترین سازمان متشکل کشور بود که مردم را برای مقابله با امپریالیسم و ارتجاع تجهیز می کرد و لذا دشمنان مردم نیز جلوه گری از فعالیت حزب توده ایران را مقدمه ای برای پیشبرد مقاصد خود می دانستند.

۸ بهمن ۱۳۳۷ مذاکرات پنهانی نفت میان کابینه وزیر و نمایندگان شرکت نفت انگلیس آغاز گردید و همزمان با آن هجوم به حزب توده ایران تشدید شد.

۱۸ بهمن ماه شورای دانشگاه تسویب کرد که دانشجویان در محیط دانشگاه نباید در امور سیاسی دخالت کنند و باید هنگام ورود به دانشگاه تعهد بیاورند که در تمام دوران تحصیلی خود در محیط دانشگاه، به هیچ وجه در امور سیاسی و تبلیغاتی و مرامی و مسلکی دخالت و فعالیت نکنند. [این تسویب نامه، که مستقیما علیه حزب توده ایران توجیه بود، بنا به دستور ستاد ارتش صادر شد و نخستین اقدام «قانونی» برای جلوگیری از فعالیت آزاد جنبش است.]

به دنبال این تصمیم، در مطبوعات اعلام شد که: «برای ترور رهبران حزب توده ایران توطئه می چینند. موج ترور و خطر انتقام به حدی شدید شد که ۲۵ بهمن ماه، عبدالقادر آزاد، وکیل مجلس، از دولت وزیر بهمنت سلب امنیت و اختیای آزادی و توقیف جزایه استیضاح کرد. «مردم» ارکان مرکزی حزب توده ایران از مدت ها پیش توقیف بود و به جای آن رژیم منتشر می شد.»

۲۴ بهمن ماه، خبر رسید که «به دنبال اقدامات علیه آزادی فکر و بیان در میان دانشگاهیان، وزارت فرهنگ برخی از آموزگاران و دبیران را تبعید کرده است.» (این مصلین منتم به عشویت و یا هواداری از حزب توده ایران بودند.)

۲۷ بهمن ماه روزنامه مردم اطلاع داد که «حزب انتقام از گروهاینا ... و تکلیف شد و مستشاران اصلی میسورهای مذهبی امریکائی آرا رهبری می کنند. واحضای اصلی آن با مقامات مشوریت دار کشور ارتباط دارند.» و این «حزب» مأمور ترور رهبران حزب توده ایران است.

«دزم» (حزب «مردم») توضیح داد که جمله به دانشگاهیان و فرهنگیان و جمله به حزب توده ایران، تصادفی و محلی نیست. توطئه عمومی ضد آزادی است. «دزم» نوشت: «دانشیاران از فرهنگ شروع کرده اند... مبارزه با توده ای ها برده توده ای است که در پشت آن سازش با فکر آزاد علمی می شود.»

۲۸ آذر ۱۳۳۷، «دزم» اطلاع داد: «توطئه های ارتجاع بر ضد دیکتاتر حزب، وارد مراحل تازه ای می شود. دستورهائی از طرف مقامات بالا به ستاد ارتش و سایر مراجع دولتی داده شده است که تجاوز و فشار و تحریک بر ضد حزب ما را تشدید کنند.»

«دزم» توضیح می داد که هدف از میان برداشتن حزب است، ولی «حزب» محمول تسموالت اجتماعی و بخواستهای اکثریت محروم ملت ایران است. این حزب را نمی توان با یک تهیب از میان برداشت.» سرانجام در ۱۳ آبان ۱۳۳۷

افشا شد که کابینه وزیر، لایحه غیر قانونی کردن حزب توده ایران را تسمیم می داد. روزنامه کرده است. روزنامه زندگی نوشت: «در کردیم و در مجلس مطالبی از طرف بهمنی وزرای کابینه آقای وزیر و چندتن از نمایندگان مخصوص و شناخته شده عنوان شد که موجب حیرت و تعجب گردید. به قراری که می گویند دولت آقای وزیر در نظر دارد دو لایحه قانونی با قید دو فوریت به مجلس تصدیق کند: یکی قانون تصحیح مطبوعات بچهار روزنامه در تهران و یک روزنامه در شهرستان. دوم لایحه غیر قانونی شمرتن حزب توده ایران و اجازه گرفتن دولت برای بستن این حزب و تعقیب کلیه عناصر موثر آن.»

چنان که می بینید، به اصطلاح غیر قانونی کردن حزب توده ایران، برخلاف آنچه تبلیغات دربار پهلوی مدعا می کردند، در عداوت از روی عادت آن را تکرار می کنند. مربوط به سوختن به شاه مطرغ نیست. این اندیشه مامها پیش از آن، به عنوان بخشی از یک توطئه بزرگ ضد آزادی و ضد ملی به وجود آمده، قوام گرفته و حتی به صورت لایحه ای تدوین شده بود. کابینه وزیر، که بیود خانه های بسا امپریالیست ها روشتن از آن تاب است، در جهت تقویت این فکر می کشید. دکتر منوچهر اقبال، وزیر فرهنگ این کابینه، که یکی از چاکران دربار و از سیاسترین مرمغانه ارتجاع وابسته به امپریالیسم بود، به آغاز توطئه از فرهنگ کرد. کترین تردید نیست که توطئه ضد حزب توده ایران، با تمسید شرکت غارت انگلیسی نفت و اشتیاق دیکتاتوری و تبارک مسدیرنا پهلوی، ارتباط بلاواسطه داشت.

وزیر، که گفت: «غیر قانونی کردن حزب توده ایران را ندیده بود، فرست نکرد آن را به تصویب برساند. کابینه او در لایحه آبان ماه سقوط کرد. تیرد پشترنده تشدید شد. ساعد به نصفت وزیر رسید و گام تازه ای در جهت تحکیم دیکتاتوری شاه مطرغ، در جهت تبایل انگلستان برداشت. رادیو لندن اعلام کرد که وزیر خارجه ایران در لندن، با پوین وزیر خارجه انگلیسی، ملاقات و درباره تغییر قانون اساسی ایران مذاکره

۱۲ بهمن ماه ۱۳۳۷، قتل از کیهان ۱۵ بهمن ۱۵ بهمن ۱۳۳۷، حزب دوازدهم، حزب توده ایران برای تحلیل از شهید، میبکنی که این باور بر سر مردم دارانی، ترکیب داده همه مبارزان توده ای و هواداران حزب و مبارزان از عناصر دموکراتیک در آنجا جمع بودند. هنگام بازگشت بهمن، خبر رسید که به شاه مطرغ تیراندازی شده و پلیس و ارتش، بهمنه آن به کلورب مرکزی حزب ۱۶ بهمن ۱۳۳۷، روزنامه امپریالیست تهران حق سوختن به شاه مطرغ را منتشر کرده؛ تیراندازی درشت نوشتند که:

«حکومت مرتکب کتلا مصلوب و انتضای محزوب توده مجمل است» (کیهان، ۱۶ بهمن ۱۳۳۷).

خوش آمد

در جلوه بهار دل انگیز انقلاب
اکنون که سال نو
با نغمه امیدفرای سرود خلق
در راه کسب قدرت و آزادی و شرف
آغاز می شود

«مردم»! میان توده مردم خوش آمدی

در سال های کودکی و دوره شبان
پیوسته با تو الفت فریدینه داشتیم
شور و علاقه ای که فروز از حساب بود
با بحث های «مردم آیدنه» داشتیم
اما دریغ...

آموزگار مکتب آزادی مرا
دست چغای قدرت فرعونان «گرفت»
«مردم» که یار مردم این آب و خاک بود
چندی دچار خشم سکونی سیاه شد
پنداشتند

آفتی خشم ستم گشان
با جیس و زجر بیله خاموش می خود
«مردم» که رهنمون «ظفر» بود و «رزم» ما
در خاطرات خلق فراموش می شود
چندی به جمع ما
آثار «مردمی»!

آنشور انقلابی و آزادی نبود
اما در این سکوت
در سال های تیره بیداد و اختناق
یاد تو «ای رفیق فدakar خلق ها»
از جمع ما نرفت
گاهی نوشته ای و زمانی مقاله ای
از سال های پیش
از بحث های روز خارج از این دیار
رواق فرای بزم رفیقان راه بود
در جستجوی راه و هدف های «مردمی»
چیزی که سال ها
آموختی به ما

با اتحاد خلق ستمدیده شور
کم کم صدای تندر عسبان بلند شد
باید علیه دشمن «مردم» قیام کرد
روز ستم گران جفاپیشه خام کرد
در شهر و روستا
در گوشه و کنار
در کارگاه و مدرسه، بازار و یادگان

هر روز صبح
موج خروشان اعتصاب
اطراف کاسخ های ستم را فرا گرفت
در این میانه یار مددکار تودمها
تنها «توید» بود
چون هر کلام و خط و ستونی برای ما
دنیایی از شهامت و شور و امید بود

تا عاقبت
به یاری رزمندگان خلق
روزی که سالها، در انتظار آن
صدها جوان و پیر مبارز شهید شد
از ره فرا رسید
روز قیام خلق
روز سپید و روشن و تابان انقلاب
دنیا شنید از لب ملت پیام ما
ثبت است بر جریده عالم «قیام ما»

یک روز صبح
با شادی و امید
ارزنده ارمنان و ره آورده انقلاب
یار قدیم، یار فدakar تودمها
بر دست ما رسید
«مردم» امید مردم ایران به افتخار
در جمع تودمهای ستمکش شد آشکار
اکنون...

تو ای رفیق کهن سال و دیرپا
در جلوه بهار دل انگیز انقلاب
بارگردد به جمع رفیقان خوش آمدی
مهر
۱۳۵۸/۱/۱

شدید بودند، در استنفاذ به هنگامه نظامی سرود شدند و موافق قوانینی که قبل از تشکیل حزب توده ایران وجود داشتند، سحاکه شدند زیرا هیچ قانونی اختصا علیه حزب توده ایران وجود نداشت و لذا در آن محکم و حتی سحاکه نظامی سیمبر خاهاهی هم - نمی توانست زحمت دکتری منوچهر اقبال راه، که درباره «اصلاح» حزب توده ایران در مجلس گفته بود، ملاک قرار دهد.

حزب توده ایران قانونی بوده و هست.
از بهمن ۱۳۳۷ تا انقلاب پیروزمنه بهمن ۱۳۵۷، درست ۲۰ سال گذشت. در این مدت حزب توده ایران، همواره بطور غیرقانونی و بهرم قوانین موجود و فقط بنا بهخواست دربار پهلوی و امپریالیستی آمریکا و انگلیس، «غیر قانونی» تلقی می شد. سازمان های حزب مارا نه از روی قانون و نه ولو قانون محسوب مجالس ارتجاعی، بلکه با نگاه زور خالی و انارگستیم می نویسند و انعای حزب ما را جیس تمیید، کجاسی و ایدام می کردند. «چرب» ما، دفاع از استقلال ملی، دفاع از دموکراسی و دفاع از طبقات ستمکش بود. و چون قانون ویزای علیه حزب ما وجود نداشت، دولت اصرار می کرد که دادگاهها، قانون سیاه، دربار فرزند را مستحک فزاد دهند. ولی دادگاههای دادگستری نیز باز نرفتند و این قانون را درباره حزب ما صدق نداشتند و رای بوضع تقیبه دادند. کاربهادان گاهای نظامی سرود شد که از حزب توده ایران نیز مانند همه مبارزان صبیق انقلابی رفتار کرده آن ها را طبق ماده ۳۱۵ قانون دادرسی و کیفر ارتش سحاکه می کردند. در این ماده گفته می شود:

«هر کسی بهر اسم و عنوان در ایران جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره نماید که بویه یا مرام آن آشکاری باشد... هر کسی جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره نماید که بویه آن ضمیمت باحکومت مشروطه سلطنتی ایران باشد... بحسب دالم محکوم می شود. هر که جمعیت های جزور برای اجرای منظور خود اسلحه و یا مواد متفجر، تدارک کرده باشد تشکیل دهندگان و اداره کنندگان... به اعدام محکوم می شود».

طبق این ماده است که دهها تن از اعضا حزب توده ایران، که از بهترین فرزندان خلق ایران بودند، اعدام شدند. در این ماده، چنان که می بینید، هواداری از «رویه و مرام آشکاری» (که از نظر حقوقی برهنا و بیربط و از نظر سیاسی صیقا ارتجاعی و قرون وسطایی است) در کنار «صدیت با سلطنت» قرار دارد. اگر کار با مبارزان و سوسیولن نیوه با حقوقدانان ملاطفتی باشد که انقلاب ایران راهم نپذیرند و معتقد باشند که افتاقی لینتاده و قوانین سابق بهوت خود باقی است، تازه باید تصریح کنیم که این ماده در رفتارند عمومی مردم ایران، که بهمسو سلطنت و استررار جمهوری رای دادند، لغو شده و دیگر «قوت قانونی» ندارد.

ما خواستار چگونه دموکراسی هستیم...
نیروهای انقلابی را نیز مستحوش افتخار شدید می سازد. باید دید که در شرایط مشخص جامعه ایران، مسئله آزادی ها را چگونه باید حل کرد که از آن ضدانقلاب سوامستفاده نکنند، باعث تفرقه، نیروهای انقلابی نشود، ولی در عین حال جدی و دارای محتوی باشد.

ما هنوز در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک هستیم، یعنی انقلابی که باید استقلال سیاسی و اقتصادی ما را برپایه های عینی محکم استوار سازد (این کاری است که هنوز نشده) و دموکراسی سیاسی و اقتصادی، یعنی حاکمیت خلق را به وجود آورد (این هم کاری است که هنوز از آن دوریم).

مابین استقلال و دموکراسی، پیوند ژرفی وجود دارد. مفهوم دموکراسی نیز از مفهوم آزادی های دموکراتیک به مراتب وسیع تر است. لذا درست نیست که ما از تمام مضمون وسیع و عمیق انقلاب در فرهنگ کنونی ما تنها مفهوم «آزادی های دموکراتیک» را مطلق کنیم.

ولی آزادی های دموکراتیک (آزادی قلم، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، منازرت، مونیست های قانونی، انتخابات و غیره) در کنار حقوق دموکراتیک انسانها (حق کار و تحصیل و درمان و استراحت و بیکاری و برتری تأمین شده و مسکن و غیره)، دارای اهمیت انکار ناپذیر است.

ما با صراحت و قوت و تأکید تمام اعلام می داریم که آزادی های دموکراتیک را برای تکامل جامعه ایران ضرور می دانیم و برای آن اهمیت فراوانی قائل هستیم.

در مفهوم لیبرالی و بورژوازی که در کشورهای سرمایه داری رشد یافته مرسوم است، آزادی ها، به علت آن که با حاکمیت خلق و تأمین حقوق انسانی اکثریت زحمتکش تلازم نیافته و به صورت آزادی های فرداگرایانه و غیر مسئول بروز می کند، از محتوی واقعی تا حد زیادی تهی است و جنبه ای است آن که طبقات حاکمه بتوانند به وسیله آن جامعه را موافق خواست خود اداره کنند و آنرا به اصطلاح «دموکراسی» نمایند و در جیبی که منافع سود ورزانه شان اختفا می کند امید دهند.

کشورهای غربی نام این سیستم را «دموکراسی» به معنای مطلق کلمه گذاشته اند و آنرا بهرچیز نبرد علیه جریان های انقلابی بدل ساخته اند. به ادعای آن ها، در دنیا ی کنونی نبرد بین دموکراسی و دیکتاتوری است که این دیکتاتوری، گاهی چه گراست به نام کمونیسم و گاهی راست گراست به نام فاشیسم، سفسطه و منططه در مسائل از این بالاتر نمی شود. نظیر آن سفسطه دیگر، که تحت عنوان «ابر قدرت»، شوروی سوسیالیستی را در کنار امریکای سرمایه داری امپریالیستی قرار می دهند؛ هیچ وجه مشترکی مابین سوسیالیسم و کمونیسم، که خواستار حل بی عدالتی های جامعه طبقاتی است، و فاشیسم، که حربه طبقات ممتاز برای کسب وین جنبش های انقلابی است، وجود ندارد.

مسائل اجتماعی پیچیده و بفریح است، لذا سفسطه و واژون سازی در آن، مطلق کردن یک جهت و جلوه دادن آن، به عنوان کل حقیقت، گمراه سازی و غیره آسان است.

این «دموکراسی غربی»، یا دموکراسی لیبرالی بورژوازی، که برخی آزادی ها را تا حد هرج مرجع مجاز می داند، ولی حقوق انسانی طبقات وسیع زحمتکش جامعه را تأمین نشده باقی می گذارد، برای ما قابل تقلید نیست، این شکل «دموکراسی» از جهت تاریخی کهنه شده است.

پس چه باید کرد؟
آیا باید از تنوع سازمان ها و گروه های گاهمی که به ویژه در طرطخ خواست استقلال ملی و دموکراسی اجتماعی مشترکند (ولی دارای گرایش ها و راه حلها و سلیقه های مختلف فکر هستند) جلوگیری کرد و استبداد یک گروه و انحصار فکری یک گروه را برپاداشت؟
جواب ما این است: نه!

آیا باید اجازه داد که این تنوع موجب تفرقه، تضادم، هرج ومرج، برنامه مشترک است.



سیستم بهداشت و درمان...

۱. بطور عاجل و فوری حادثین مسائل مربوط به بهداشت و درمان را حل کند. حزب توده ایران در برنامه موقتی که به وزارت بهداشتی ارائه کرده، به آنها اشاره نموده است.
۲. برنامه ریزی دقیق و مستگیری صحیح برای اجرای طرح ملی کردن بهداشت و درمان، یعنی رایگان بودن خدمات بهداشتی، درمانی و استفاده از داروهای ضروری. این برنامه فوراً باید اجرا نیست و تنها با تقویت بخش دولتی و با اجرای طرح رایگان بودن خدمات پزشکی برای طبقات و قشرهای کم درآمد و آماده کردن همه زمینیه، به طور درازمدت قابل اجرا است.
۳. با ختمه یادآوری این نکته را هم ضروری می دانیم که اجرای طرح های بهداشتی رایگان و پیشگیری از بیماریها می تواند و باید فوراً به مرحله اجرا درآید. در حالی که طب ملی و درمان رایگان احتیاج به برنامه ریزی و زمینه سازی طولانی تر دارد.

سر درگمی و ابهام بود؟ جامعه دموکراتیک را بهسود دسترند و شربت های ضد انقلابی تضعیف نماید؟
جواب ما این است: باز هم نه!
پس راه حل چیست؟

راه حل عبارتست از وحدت درکورت، یعنی وجود مستقل و آزاد سازمان های مختلف سیاسی، ولی اتحاد آن ها در جبهه متحد خلق، به منظور حل مشترک مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره که در برابر جامعه مطرح می گردد.

طبیعی است که هر وحدت عملی بهرمنش، گذشت، سازش، غم همکاری و غیره نیاز دارد. اگر چنین جبهه ای تشکیل شود، می تواند تکلیف گاه نیرومندی برای رژیم دموکراتیک آبی باشد. این جبهه می تواند افراده خود را در جهت اجرای تصمیمات سوزمندی پیش ببرد، سد مقاومتها و دسایس دشمنان جامعه را بشکند و نظریات اکثریت مطلق جامعه را بر اقلیت ضد اجتماعی، ضد ملی و ضد دموکراتیک تحمیل کند و نظم و انضباط و امنیت را در جامعه برقرار نماید.

این یک دموکراسی ملی است، که نه فقط در طریق تأمین آزادی ها، بلکه در طریق تأمین حقوق دموکراتیک نیز گام برمی دارد.
ضد انقلاب آشکار و قانبدار، درست با همین وحدت عمل نیروهای ضد امپریالیست و خلقی دشمن شوگند خورده است و از بیرون و درون نیروهای انقلابی می کوشد چنین وحدت عملی سرنگرد و کار بهسوی تفرقه ببرد تا انقلاب از اعتبار بیافتد، دموکراسی بهرچیز و مرجع بدل گردد و زمینه برای تحولات منفی فراهم شود. با نهایت تأسف باید گفت که اکنون چنین جریان خطرا و فلاکت آوری است که سیر خود را طی می کند.

آیا انقلاب ایران خواهد توانست این مسئله را حل کند؟ ما مطمئنیم که اگر حل کنند، کاری را که تنها فراهم شده، بهمراتبی دلپذیر و آرام بخش برای اکثریت زحمتکش جامعه خواهد رساند و آن «وحدت کلمه ای» را که امام خمینی ادامه آنرا در جنبش خواستار است، به شکل واقعی حفظ خواهد کرد، وحدت کلمه ای که ناشی از انحصار فکری و سیاسی گروه معینی نیست، بلکه مبتنی بر توافق داوطلبانه نیروها بر روی برنامه مشترک است.

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان

آذربایجان، که از طرف رژیم طاغوسی گشته از حق انتشار علی محروم گردیده بود، حمله نمود. منظور جلوگیری از هرگونه حادثه ناگوار، مسئولین دفتر به ناحیه ۶ کمیته واقع در خیابان شریعتی (شهرستان سابق) مراجعه کردند و آنجا را در جریان حادثه گذاشتند. متأسفانه هیچگونه اهمیتی قائل نشدند. با استفاده از این برخورد علی السویه، چند نفره ناشناس به نام مأمور کمیته سرزده داخل دفتر شدند و شامهای زنده یاد چنان اول ماه مه، روز هفتمین جهانی کارگران و همزبانان مبارزان آذربایجان و همزیستانشان در میهن ما باید رفته شود و از دیوار زدند، فاشانه از طبعه چهارم

اخیراً عناصر ضد انقلابی از مانند انقلابی خلق آذربایجان و از علاوه مسیحیان و اضعاد راسخ ان بهنگانگی و یکپارچگی همه نیروهای راسین اعلامی و بدل گوش میروید ان برای مسئولان ژردن نیروهای دموکراتیک و سادامیرالیست، سوء استفاده کرده و فعالیت تخریبی خود را گسترش دادند.

بنا بر دستور و منظور جلوگیری از تشکیل جبهه متحد خلق، مواجین یوسهه رژیم سابق را در مورد عضویت یونین حزب توده ایران از کورسان تاریخ بیرون می کنند، روز دیگر درباره جیش حماسه آفرین ۲۶ آذر، که در تاریخ مبارزات خلقی ایران، به یوزهه خلق آذربایجان، با خط ملانی ثبت گردیده است، نوبت و امرهای سخوار شده محمدرضا شاه پهلوی و دستگاههای تبلیغاتی او را بازگو می کنند، روز بعد در نهمه بین خلوعای کرد و آذربایجان که از دیوار جیش انقلابی آگسنتی دانشاند، جیصال برادرش بهرام می اندازد...

هیچ یک از این تحریکات خلق محور آذربایجان راه، که دارای تخریبات وسیع پراختار اعلامی است، نمی تواند از راه درستی که در پیش گرفته، منبر فرسازد. اما ضد انقلاب از اعمال خرابکارانه اش دست بردار نیست.

از عناصر ضد انقلاب، که متأسفانه هنوز دست و پالتان بهمد کافی باز است، حادثه نازی غیر منظره نیست، در این مورد حزب ما بارها هشدار داده است. جای نام و نامش اینجا است که شریکهای، که پس از ترنگویی رژیم منحور پهلوی، بعد از ۳۳ سال، در داخل کشور به منظور علی بهزیان مادی خلق آذربایجان منتشر می شود و هدف اصلی خود را مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای مترقی و مبارز ایرانی پیشرفت انقلاب خلقی ایران قرار داده است، در روز روشن مورد تهاجم قرار می گیرد.

جریان حادثه ناگوار اخیر از این قرار است: در شب اول ماه مه، روز هفتمین جهانی کارگران و زحمتکشان، در حدود ساعت ۱۸، ابتدا همه بسیار ناچیزی از دانشاندس محکوم، ولی سازمان یافته در مقابل دفتر مرکزی هفتگی آذربایجان (تیمز) میان نماز اول کوچک (انجمن) تجمع کردند؛ و به منظور تحریک احساسات میهن دینی و جنبش همزیستان و یوزهه کبیه محترم تاجیک، دست به تخریبات ضد انقلابی و سفلیان تحریک آمیز زدند. احتمال آن می رفت که هر لحظه، به دفتر روزنامه

کارگر مذهبی هم به حزب خود وفادار است

در قلم شهر (شاهی سابق) در روز اول ماه مه عنای «یوسر پارکن» پیدا شدند که کارشان کتند و باره کردن پوستهای حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه بود. کارخانه تاجی شماره ۱ را کتند.

نوطه سکوت در مورد حزب توده ایران

تعلیقات ضدتوده ای، دشنام گوئی و اتهامی هر چه بر سر و سوار علیه حزب توده ایران از جانب امپریالیسم و ارتجاع تازگی ندارد. عجیب هم نیست، حزب که سرخستین و بی گزیرترین نیروی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی بوده و هست، باید هم مورد کینه و نفرت دشمنان مردم ایران قرار گیرد. این نشانه خصلت مردمی حزب توده ایران است.

ولی نوطه سکوت در مورد حزب توده ایران، آن هم پس از پیروزی انقلاب مردم ایران، آن هم از جانب ارگانهای که زاده این انقلاب است، تازگی دارد. عجیب و غریب هم هست، یوزهه آن که این نوطه سکوت با تمییز هم به طور کلی یعنی ارگانهای دولتی درباره همه سازمانهای سیاسی محبت می کنند، و به طور کلی مثبت هم محبت می کنند، هم در کار حالات و نیشهای ستیم و غیرستیم به حزب توده ایران - غالباً در مورد وفاداریت و نظریات حزب توده ایران سکوت اختیار نمی کنند.

متلا آقای نخست وزیر، هنگامی که از مهم سازمانهای سیاسی در پیروزی انقلاب مردم ایران سخن می گوید، از همه نام می برد، جز حزب توده ایران. ما هم شهم این سازمانها را در پیروزی انقلاب ایران تأیید می کنیم. ولی سکوت در مورد حزب توده ایران، چیزی که - اگر بخوایم مصفاغه قضاوت کنیم - به هواره زسر شدیدیتر فشارهای امپریالیسم و رژیم پهلوی قرار داشته، حزب که به خاطر مبارزاتش در راه استقلال و آزادی ایران، هزارها زندانی، هزارها تبعیدی و مدعا کشته داده، حزب که در پیروزی انقلاب ضار امپریالیستی و مکرراتیک مردم ایران بدون یوزهه مهم برجسته ای داشته - آری، سکوت درباره چنین حزب می چینی داشته! آیا آقای نخست وزیر می خواهد این مبارزانه، این فداکاریها، این قربانیها را فنی کند؟! یا آقای نخست وزیر واقعاً تصور می کند که حزب توده ایران - طبق قوانین رژیم طاغوسی - «دیر قانونی» است؟! و یا این که رابیه تلویزیون، اعلامیه و اطلاعیهها و اظهار نظرهای پوسترهای همه سازمانها و گروههای سیاسی را پیش می کشد - و باید هم بکشد - جز حزب توده ایران، و این سکوت و تمییز آشکار، در جریان جشن اول ماه مه پیش از هر زمان دیگری به چشم خورد. این سکوت و تمییز درباره حزب توده ایران از جانب رادیکالترین چمنی منی داره! آیا می خواهد بگوید، این قدیمی ترین حزب سیاسی ایران اصلاً وجود ندارد؟! و یا این که می خواهد از آقای نخست وزیر تمییز کند؟! به یوزهه که مربوط بهما است، باید بگوئیم که اگر ترور رژیم جنایت کار پهلوی تیراوست حزب توده ایران و «مصلحه» کند، اگر دشنام گوئی و اتهامی نتوانست و نمی تواند از اعتبار نمود حزب توده ایران بکاهد، به طریق اولی نوطه سکوت درباره حزب توده ایران هم نخواهد توانست، حزب طبقه کارگر ایران را از صحنه سیاست ایران خارج کند. خوبت کنایه که نوطه سکوت در مورد حزب توده ایران از برادر انداخته، به نیتشند که حزب ما را با هیچ نیرویی و با هیچ نوطه ای نتوان از توده های مردم جدا ساخت، تنها نتیجه ای که از این نوطه ها حاصل می شود، تمییز جیش انقلابی مردم ایران است، که فقط می تواند دشمنان مردم ایران، امپریالیسم و ارتجاع، را خاد کند.

مبارزه قاطع و عاجل با بیکاری یک وظیفه مهم و مبرم است

ضد انقلاب در صدد سوء استفاده از حذت مسئله بیکاری است

بعضی از مقامات اجرائی مدعی اند که دارند مشکل بیکاری را رفع می کنند و حتی نخست وزیر در مصاحبه با خبرنگاران فرانسوی، از کاهش سریع بیکاری سخن گفت. اگر چنین می بود، باعث نهایت خوشحالی در درجه اول خود بیلاران و همچنین همه مردم می شد و با مبارزات و تکیهات امام نیز در مورد توجه به یوسه دهانده ترین فشارهای مردم زحمتکش تطبیق می کرد. ولی متأسفانه واقعیت نشانه ادامه و تشدید این بلایه بزرگ است. بله ای که کاردر باستانخوان توده کبیری از محروم ترین افراد کشور ما رسانده در خانواده های بسیاری گرسنی و محرومیت و به دیدار آن اعتراض و خشم آورده است.

برای رفع هرگونه سوء معامی بکونیم که آلیه ما مدعی لیستیم می توان طی یک همه یا یک ماه و با یک ترفتن قسم مسدهای جنین بهرین و چندجیب را حل و تشن برد، و سد آلیه مصممین که علاوه بر برخی مصیبات سریشی، یاد رسه ندابیر محصوب و مسوج اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و تاریخی در درون خود برای حل آن لازم است. ولی از این حاشیه باید در روی یک همه تکیه کنیم و این مسئله بسیار مهم را حاشیه سازیم نه مسئله حاد بیکاری، علاوه بر جواب اقتصادی و رفاهی روزانه دردناک بیلاران، دارای ابعاد سیاسی بسیار برتری است و از این نظر، تا حد معینی، با سربوسد انقلاب ایران وابستگی پیدا می کند.

بهدیست قبل از توضیح این نکته مهم بهیت وانه اشاره کنیم: برای عدای ارگانهای، پس از ماهها بیکاری، کارکن پیشاند، وقتی آنها به سوی محل کار، در همین مرتبتی می ران می رسند، ترفوش سرراشان ظاهر شده و کتند به حاسرید، صفت مسلم، ۱۲۵ یومان یوزهه بهر ترفوش بکشد نه سر تار رود و همچنان بیکار باقی بماند از آمپریالی ای باستانساح اسناد دانشناهی نه سر ترفه گروه بوده، صدها هزار یومان وجه صد کتند. این خبر چه نشان می دهد! این را سال می دهد که متاسفانه، ان هم به حال منند و شمال و باسرتروبی - حاسرید، بهر رفیعی سده کاری کتند نه بیکاری ادامه باید و همزمان با آن تولید دچار وضع باشد و بی تکلیفی و سرگردانی، که احتمالاً می تواند موجب برخورد و هرج و مرج شود و به نتیجه نرسد و مخالفت عمومی منجر شود، حکمرا کتند، ندهان نه باید از آن ضایع بود همین است، که از این مسئله حیاتی پسران میلیون ها بیکار، مستلای نه در آن مرک و زدگی کارگر و خانواده آحاد او مطرح است، محافل می خواهد و می گوید سوسامنده کتند. این محافل چه کانی سبب جز ضد انقلابیها، سربیرلان رژیم منحور سابق شده و کارگزاران سازمان جادوسی امپریا و سرمایه داران وابسته امپریالیستی: اینها همد ان معامی کتند سی دارند چرخهای مملکت بهر کف نادی باز آمد و با غریب به خارجه، با قطع اساسی کار را می خواهد و حتی با آمپریال پرولس سر راه می ایستند تا با پرداخت مادل مسزدر چند رور کار، از کار کردن چندی جلوگیری کنند. این محافل مستعای خطرناک و پلیدی در سر دارند، آنها یا سوء استفاده از حسد بیکاری و عوایب بسیار دشوار ان، می خواهد احصای و حسد



بقیه در صفحه ۶

نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

از همه متظلمین خواهشمندیم عکس و شهادت مبارزان شهید دارنو با می توانند بهمدت آورند، هرچه زودتر در اختیار دفتر «مردم» قرار دهند. با سیاس فراوان مردم

کلیت به توزیع و پخش هر چه وسیع تر

کلیت به توزیع و پخش هر چه وسیع تر روزنامه «مردم» ازگن مرکزی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواداران و داوطلبان که برای پشرد این هدف، در هر نقطه از تهران با هر یک از شیوها و روشها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرند.

تصحیح و یوزش «پیغام امروز»

تذکر داده شد. اینکه روزنامه «پیغام امروز» مورخ اول اردیبهشت ۱۳۵۸، توضیح می دهد که این تحریف «دشنامه» یوزش ناشی از جاهلایی مطرھا با تادگی کلمات در مطالب روزنامه، پیش آمده و باز خوانندگان بابت اشتباه اجتناب نمایند. «پیغام امروز» خواسته است.

کشاورزی ایران را باید احیا کرد، چگونه؟

بموقع دست و پا ل حصه زیادی از دهقانان را بسته اند، احیای کشاورزی یک مسئله درجه اول میهن ما بدل شده، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی و سیاسی باید کشاورزی و دامداری ما، رونق شایسته یابد، باید تا حد ممکن از وابستگی کشور به واردات چنین محصولاتی کتند شود، باید زندگی کشاورزان، که اکثریت مردم ایرانند، آریخ وینر گرگون گردد و آنان از چنگال استغری و فقر و عقیماندگی نجات یابند، باید بجای سبیل آوارگان روستایی، با بشهرها می آیند، اینکیزهای نیرومند کار و اقامت در روستاها فراهم شود، همه اینها باید با چنان حیاتی است که بارها امام خمینی، مقام رهبری انقلاب، بر اهمیت آن تکیه کرده و ضمن تئویق کشاورزان به کتند، توجیه مقامات را بهمدت موضوع جلب کرده است.

بهبخت هر چه وسع تر «مردم» کمک کنید

بر روی این زمینه که به صورت اثری شوم از رژیم مطرود بجای مانده، رخدادهای ناشی از تحولات مامهای اخیر بر حثت مسئله امروز است. برخی عناصر ضد انقلابی سر بلند می کنند و مالکان بزرگ مستعای چاقو دار و حتی تفنگدار (در آذربایجان) اجیر کرده دهقانان را از زمین بیرون می کنند (در نخت کرگان) هم اعلام برنامه آرنشی دولت ممالک گران میدان داده و تاروشی سیاست کشاورزی کشاورزان را از انگیزه های تشویقی محروم کرده است، برخی تسمیبات دوهولو و مهم مقامات اجرائی یوزهه در زمینه مالکیت زمین، کار را تشهیل نکرده است. علاوه بر اینها اگرچه تولات آسانی خوشبختانه رشایت بخش است، ولی به علت نبودن کاروین در مورخ ضعیف، مسئله کتندا اندازه ای محدود شده، برخی بیجاریهای دامی و گیاهی شریاتی به کتند و بخصوص پرورش گوسفند وارد ساخته است و نداشتن وام

هیچکس لیست که ندانند رژیم شاه مخلوع چه بر کشاورزی ما آورده و چگونه کشاورزی ما را با سیاستهای خنملی و شد دهقانی خود نابود کرده، تاجایی که ایران را با آنچه منابع متنوع و غنی از نظر مواد غذائی و مواد اولیه، کشاورزی نیز مستخرج خارجه ساخته است، به قول مردم، محصودا، ایران را از کشور کشاورزی به کشور سوتاز بدل کرد و حالا نه کشاورزی داریم نه صنعت، هم کشاورزان ما بیچاره اند هم کارگزاران مستخرج. بر روی این زمینه که به صورت اثری شوم از رژیم مطرود بجای مانده، رخدادهای ناشی از تحولات مامهای اخیر بر حثت مسئله امروز است. برخی عناصر ضد انقلابی سر بلند می کنند و مالکان بزرگ مستعای چاقو دار و حتی تفنگدار (در آذربایجان) اجیر کرده دهقانان را از زمین بیرون می کنند (در نخت کرگان) هم اعلام برنامه آرنشی دولت ممالک گران میدان داده و تاروشی سیاست کشاورزی کشاورزان را از انگیزه های تشویقی محروم کرده است، برخی تسمیبات دوهولو و مهم مقامات اجرائی یوزهه در زمینه مالکیت زمین، کار را تشهیل نکرده است. علاوه بر اینها اگرچه تولات آسانی خوشبختانه رشایت بخش است، ولی به علت نبودن کاروین در مورخ ضعیف، مسئله کتندا اندازه ای محدود شده، برخی بیجاریهای دامی و گیاهی شریاتی به کتند و بخصوص پرورش گوسفند وارد ساخته است و نداشتن وام

بقیه در صفحه ۶